

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۷۳

۱۴ فروردین ۱۴۰۲

۳ آوریل ۲۰۲۳



چهارشنبه ها منتشر میشود

اهمیت پشتیبانی از منشور ۲۰ تشکل

مصاحبه با کاظم نیکخواه در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید

صفحه ۲



سوت اعتراضات معلمان در سال ۱۴۰۲ به صدا در آمد

صفحه ۵

اخراج رژیم تروریست اسلامی از "سازمان جهانی کار" امر ما در روند انقلاب
زن، زندگی، آزادی ست!

سیما منصوری، صفحه ۶

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش و اعتراضات علیه مصوبه
مزدی شورای عالی کار

صفحه ۱۰

آغاز سال جدید و شروع اعتراضات گسترده معلمان

صفحه ۱۰

تجمع اعتراضی معلمان در چندین شهر

صفحه ۱۱

تجمعات کارگران نیشکر هفت تپه، بازنشستگان شوش و معلمان تبریز علیه گرانی
و مصوبه مزد

صفحه ۸

تجمعات کارگران نیشکر هفت تپه، بازنشستگان شوش و معلمان تبریز علیه گرانی
و مصوبه مزد صفحه ۸

یادمان مهسا امینی و جانباختگان انقلاب در شهر سقز و ایذه و همایش های

سیاسی مردمی صفحه ۹

فراخوان معلمان در تهران به سه روز اعتراض

۱۴ تا ۱۷ فروردین روزهای اعتراض، صفحه ۴

موج گسترده بی حجابی و
درماندگی حکومت!

صفحه ۹

مصادره ناسیونالیستی

انقلاب ممنوع!

حمید تقوایی، صفحه ۷

تقصیر کمونیستهاست!

کاظم نیکخواه، صفحه ۵

از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۱ و ۱۲

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

اهمیت پشتیبانی از منشور ۲۰ شکل

مصاحبه با کاظم نیکخواه در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید



کاظم نیکخواه: نکته مهمی است. ببینید منشوری داده نشده که یک بار فقط نوشته شود و بیاید و برود. قرار است که در جامعه مورد توجه و استناد و استفاده قرار گیرد و پرچم مبارزه مردم برای یک جامعه بهتر باشد. و همین جنبه را باید در مبارزات مد نظر داشت. تلاش ما باید این باشد و تا حالا هم اینگونه سعی کرده ایم کار کنیم که بفرض آنجا که اعتراض و اعتصابی میشود خواستهایی که در این منشور هست، به فرض آزادی شکل و منشور هست، به فرض آزادی شکل و تجمع و اعتصاب مورد تاکید قرار گیرد. خوب این خواست بازنشستگان هست، خواست کارگران هست، خواست معلمان هم هست. همانجا در بیانیه هایی که می آید اشاره شود که ما از کلیت منشور خواستهایی حداقلی دفاع کرده ایم و اینجا هم روی آن تاکید میگذاریم. یعنی زنده کردن و رجوع به منشور در هر اعتراض و مبارزه کارگران و معلمان و بازنشستگان و بخشهای دیگر جامعه یکی از راههای روشن نگاه داشتن این مشعلی است که برافروخته شده و آنرا تقویت کردن و گسترش دادن. این یکی از جنبه های مهم است. در عین حال در بیانیه ها و اطلاعیه و اعلامیه ها میشود از منشور حمایت کرد و آنرا مطرح کرد. از جمله با نقل و قول آوردن از آن بعنوان رفرنس، بعنوان مرجعی که همه جانبه میگوید که بخشهای مختلف مردم چه میخواهند میشود به آن رجوع کرد. در عین حال میشود بندهای این منشور را روی پلاکاردها و پوسترها نوشت و به وسط اعتراضات و تجمعات و جمعیت برد. یعنی این مهم است که این منشور که از جانب ۲۰ شکل منتشر شده بعد از مدتی از جانب ۲۰ میلیون کارگر و معلم و

مانیفست طبقه کارگر جهانی تبدیل شود. حرفی در این مایه زد. منظورش این بود که این منشور به یک معنا ویژگی ایرانی ندارد بلکه برخواستهایی تاکید میگذارد که اهمیت حتی بین المللی و جهانی دارد.

کاظم نیکخواه: بله این چهره ای که اشاره میکنید "اریک لرنز" از آمریکا بود. او یک شخصیت قدیمی چپ آمریکاست و با فعالینی در فرانسه و کشورهای اروپایی هم در ارتباط است. اتفاقا اینها مشغول این هستند که این منشور را بعنوان منشور خودشان بعنوان منشوری که حتی در آمریکا و اروپا میتواند پیاده شود مطرح کنند و ازش دفاع کنند. و این جنبه هم بسیار مهم است. شخصا فکر نمیکردم که منشوری که از ایران بیاید بتواند در اروپا کاربردی داشته باشد. چونکه اروپا بطور واقعی یکی دو قرن از ایران جلوتر است. اما واقعیت اینست که این منشور انقدر همه جانبه خواستهایی را بیان کرده که مورد حمایت فعالین سیاسی در کشورهای مختلف دنیا قرار گرفته است. چند مورد دیگر هم من شنیده ام که جریاناتی در دنیا از این منشور حمایت میکنند و سعی میکنند آنرا مطرح کنند.

حسن صالحی: به استقبال در جامعه و در سطح عمومی از منشور اشاره کردیم و اینکه در سطح بین المللی خیلی ازش حمایت و پشتیبانی کردند. اما همیشه این نگرانی وجود دارد که بعد از مدتی که یک منشور و بیانیه خوب منتشر میشود با گذشت زمان به بوته فراموشی سپرده شود. یا کمتر مورد توجه قرار بگیرد. سوال من اینست که چه میشود کرد و چگونه میشود این منشور را بیشتر مطرح کرد و کاری کرد که فعال بماند و مرتباً به آن رجوع شود و یادآوری شود که اینها خواستهها و حرفهای ماست و اینها را باید مد نظر داشت و اینها را مد نظر داریم؟

کودکان، حقوق زنان حقوق کارگران بطور دقیق و همه جانبه و بدون ابهام و اما و اگر دفاع میکند. از آزادیهای سیاسی آزادی بیان آزادی تحزب و تشکل و اعتصاب، از همه خواستهایی که مردم دارند سخن میگوید. در واقع خواستههای فوری ای که مردم دارند (از جمله رفاه و مسکن و غیره هم بنحوی در آن هست) این ها را مورد تاکید قرار میدهد. از این نظر این سند مستقیماً به انقلاب مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی پیوند دارد و وصل است. فکر نمیکنم در دنیا تاکنون انقلابی شکل گرفته باشد که اینقدر روشن و دقیق و همه جانبه اهدافش را بیان کرده باشد. از این نظر منشور خواستههای حداقلی بسیار بسیار مهم و تاریخی است. و تاثیرات عمیقی بر روند انقلاب مردم میگذارد و اجازه نمیدهد که جریانات مختلف انقلاب را به بیراهه و سازش و شکست بکشانند. و این بیانگر جامعه ای است که به خواستههای آگاه است، میداند کجا میخواهد برود، و چه چیزهایی را میخواهد متحقق کند. علیرغم اینکه سازمانها و جریاناتی که این بیانیه و منشور را امضا و منتشر کرده اند در داخل ایران هستند و فعالینشان زیر تهدید و فشارند با وجود این خیلی رادیکال و گذشت ناپذیر از خواستهایی عمومی مردم دفاع میکنند.

حسن صالحی: کاظم نیکخواه من به خاطر میاد که **Free Them Now** کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران کنفرانسی در حمایت از این منشور برگزار کرد و از چندین اتحادیه و شخصیت و نهاد بین المللی از کانادا و انگلیس و عراق و کشورهای دیگری در آن شرکت کرده بودند، یکی از شرکت کنندگان که من اسمشان را حضور ذهن ندارم از آمریکا بود و بسیار از این منشور تعریف میکرد و میگفت این بی نظیر است و حتی میتواند بعنوان

حسن صالحی: در برنامه این هفته میخواهیم در مورد منشور مطالبات حداقلی که چندی پیش از سوی ۲۰ تشکل مدنی و صنفی منتشر شد بحث و صحبت کنیم. و اینکه جایگاه و اهمیت این منشور در انقلاب زن زندگی آزادی چیست. به همین مناسبت با کاظم نیکخواه در برنامه این هفته گفتگو میکنیم.

کاظم نیکخواه اول بار آن منشور ۲۰ تشکل صنفی و مدنی منتشر شد و خیلی هم با حمایت روبرو شد. بعد از مدت زمانی کوتاهی نهادها و شخصیتها و افراد و سازمانهای متعددی از این منشور حمایت کردند. از نظر شما اهمیت این منشور در چیست؟ کاظم نیکخواه: بنظرم این منشور بسیار مهم است. از این نظر که یک پایه اجتماعی دارد یک تعیین دارد. یک منشور اجتماعی است. یعنی فقط یک متن زیبا نیست. یک مجموعه خواستههای فرموله و شفاف فقط نیست. بلکه خواستهایی است که از دل جامعه بر آمده و بسیار روشن و عمیق خواستهایی همه مردم را بیان میکند. خواستهایی که طی سالها مبارزات، اعتراضات، و اعتصابات کارگران، معلمان و دانشجویان و زنان در شعارها و بیانیه ها و سخنرانی ها به اشکال مختلفی بیان شده است. همه این خواستههای مردمی بطور یکجا در ۱۲ بند و یک مقدمه بیان میشود. و همانطور که شما اشاره کردید با حمایت و همراهی بخشهای بسیار وسیع تری از جامعه روبرو شده است. این نوع منشور، بیانیه ها و بیان کردن خواستهها فرمول و شفافیت دادن به خواستهها مهمترین خاصیت و اهمیتش اینست که به انقلابی که در جامعه جریان دارد، انقلاب "زندگی آزادی" تعیین و تعریف میدهد. این را بیان میدهد که مردم چه میخواهند و چه نمیخواهند. از حقوق



اهمیت پشتیبانی از منشور ۲۰ شکل...

از صفحه ۲

پرستار و معلم و مردم به اشکال مختلف حمایت شود. این بسیار انقلاب را جلو میبرد و تقویت میکند. این موقعیت همه مردم را تقویت میکند و اعتراضات را به هم پیوند میدهد. به هم وصل میکند و جمهوری اسلامی را زیر فشار خرد کننده ای قرار میدهد. ببینید این منشور هم پرچم مبارزه امروز است و همه نقشه ای و برنامه ای برای آینده. در نتیجه هرچه ما این را در مبارزات بیشتر مطرح کنیم راه آینده روشن تر و هموارتر خواهد بود و ساده تر و راحت تر و بهتر پیش خواهیم رفت. یعنی جامعه باید روشن باشد که فردا که جمهوری اسلامی سرنگون شد قدمهای فوری چیست. در رابطه با تبعیض علیه زنان چه میگوییم و چه میکنیم. در رابطه با اعدام و زندانها چه میکنیم. و غیره. این منشور دارد میگوید که فوراً باید اعلام شود که اعدام ممنوع است. تشکل آزاد است. زن و مرد برابرند همه کودکان حق زندگی امن و شاد و مرفه دارند. والی آخر. اینها یعنی آینده. یعنی جواب مردم به آینده. اینها یعنی اینکه شکل و شمایل جامعه آینده چه خواهد بود. یک جامعه آزاد مرفه بدون تبعیض قومی جنسی و بدون هرگونه تبعیضی. یک جامعه ای که مردم در آن آزادند هرچه دلشان میخواهد بگویند و هر چه میخواهند بنویسند و هر حزبی میخواهند درست کنند. هر تشکلی با هر گرایشی میتواند در آن زندگی کنند. کسی کسی را دستگیر نمیکند. زندانی سیاسی نداریم. و همه اینها به نحوی در این منشور آمده و در اعتراضات میشود خیلی همه جانبه مطرح کرد و ازش دفاع کرد. اینها را میشود وصل کرد به این منشور که جزئی و یک فاز از انقلاب را علیه جمهوری اسلامی و علیه کل این سیستم عقب مانده و ضد انسانی و ارتجاعی که در جامعه حاکم کرده اند بیان میکند. و یک موضع پیشرو و مدرن و انسانی و همه جانبه را تصویر و تضمین میکند.

حسن صالحی:.. به این اقداماتی که شما طرح کردید در رابطه با تقویت منشور شاید بشود این را هم اضافه کرد که بر درودیوار تکه هایی از منشور بعنوان شعار و خواستهای مردم نوشته شود و از آن نقل شود... کاظم نیکخواه:.. بله دقیقاً میشود بصورت شعار نوشت. میشود پوستر نوشت. میشود در رسانه های اجتماعی مطرح کرد. میشود سمینار و بحث در مورد آن گذاشت. از این طریق یک پایه اجتماعی وسیع به این منشور داده میشود که باعث میشود که آینده بهتر و انسانی تر باشد.

حسن صالحی: میخواستم مقایسه ای بکنیم بین این منشور و منشوری که شش نفر از چهره های دیگر دادند که آنرا منشور شش نفره و یا منشور مهسا مینامند. آنجا هم حقوقی مطرح شده اما اساساً ارجاع داده شده به میثاقهای بین المللی. اما در حاله ای از ابهام است و روشن نیست که نویسندگان آن منشور از چه دارند دفاع میکنند و آدم باید برود ده تا میثاق را بخواند که بفهمد مساله چه هست و چه نیست. میخواستم شما مقایسه ای بکنید بین این دو منشور و بگویید که در سطح مقایسه ای نظر شما چیست؟

کاظم نیکخواه: در جزئیات من الان هیچکدام جلویم نیست. اما تفاوت این دو منشور در واقع تفاوت چپ و راست در جامعه است. هرکس که میخواهد بداند فرق چپ و راست در جامعه امروز چیست میتواند از مقایسه این دو منشور متوجه شود. تازه آن شش نفری که منشور را داده اند زیر فشار انقلاب، زیر فشار چپ جامعه، زیر فشار کارگران و زیر فشار همین منشور ۲۰ شکل، مجبور شده اند موضع خودشان را با لکنت بگویند. موضع واقعی شان از این که گفته اند صد بار عقب تر است. مخصوصاً رضا پهلوی و سلطنت طلبان و ملی اسلامی ها و امثالهم. اینها یک

روزگاری در این کشور به قدرت رسید از طریق همان روزنه ها بتواند سلطنت و شاه بیاورد بتواند سرکوب کند و بتواند دیکتاتوری بیاورد. این طرف یک توضیحات شفاف و بیان روشنی دارد که مانع شود که کسی در این جامعه کارگر را استعمار کند سرکوب کند حقوق کودکان و زنان را زیر پا بگذارد و مذهب را وارد حکومت و قوانین کند. مقایسه اینها یعنی مقایسه چپ و راست آنهم در شرایط کنونی وسط انقلاب. راست از انقلاب وحشت دارد و میخواهد انرا محدود کند و چپ میخواهد انقلاب هرچه عمیق تر و همه جانبه تر پیش برود. دو جبهه ای که یکی عقب مانده است و یکی پیشرو مدرن و عمیق و امروزی است. این واقعیت این دو منشور است.

تلاشهایی دارند میکنند با این منشور شش نفره و بازی "وکالت" و با جمع شدن شش نفر و هشت نفر و یکی برود یکی بیاید، که اوضاع جامعه را به عقب بکشند و مانع شوند که انقلاب همه جانبه و دقیق و آنطور که مردم میخواهند پیش برود. اما مردم کف خیابان جوابشان را میدهند. همین الان ما می بینیم که با شعارهایی که در زاهدان و کردستان و تهران مناطق دیگر داده میشود مردم دارند جواب میدهند به تلاشهای راست و سلطنت طلب و ناسیونالیست و جریاناتی که میخواهند مانع پیشروی و پیروزی همه جانبه انقلاب بشوند. بعضی ها میخواهند حداکثر خامنه ای را کنار بگذارند و یک حکومت دیگر شبیه جمهوری اسلامی و غیره سرکار بیاورند. اما مردم روشن

پستو بعنوان حقوق بشر در منشورشان تعبیه کرده اند که میگویند هرکس میخواهد بداند که ما در مورد آزادی و تحزب و تشکل چه میگوییم برود به "حقوق بشر" مراجعه کند. تازه حقوق بشر حتی اگر جلو هم آورده شود کافی نیست. اولاً ممنوعیت اعدام و جدایی مذهب و خیلی از حقوق انسانی در آن نیست. رفع تبعیضات اجتماعی در آن نیست. اینها در جامعه ایران و در انقلاب امروز ایران بسیار مهم و کلیدی است. نمیشود شما خود را طرفدار مردم قلمداد کنید و از جدایی مذهب از دولت چیزی نگویید. این "حقوق بشر" مربوط به یک دوره دیگر و با اهداف دیگری در دوره جنگ سرد نوشته شده است. این شش نفر حقوق و آزادیها را به پشت صحنه برده اند اما "تمامیت ارضی" و امثال اینها که قرار است چماقی علیه مردمی مورد استفاده قرار گیرد که به تبعیضات قومی و ملی و اینها اعتراض دارند جلو کشیده شده و خیلی برجسته در این منشور مورد تاکید قرار میگیرد. و یک سری جنبه های دیگر. در عین حال خواستهایی که در رابطه با مردم مطرح میکنند نا روشن و غیر شفاف و مبهم و قابل تفسیر و تعبیر است. با اما و اگر و فرمولبندیهای ناروشن در منشور شش نفره آمده است. در صورتی که در منشور بیست تشکل خیلی محکم شفاف و بدون ابهام از آزادی تشکل و بیان و رفع تبعیض علیه زنان و حقوق مردم سخن گفته شده است. یعنی وقتی مقایسه میکنیم دو موضع می بینیم. یکی یک جریان که روزنه هایی برای فرار از آزادیهای سیاسی باز میگذارد که اگر روزی



پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی و لغو احکام صادر برای معلمان معترض و مسدود شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها، پایان دادن به حبس دانش آموزان در کانون های اصلاح و تربیت و پایان دادن به بازداشت دانش آموزان و بازگشت به کلاس دانش آموزان اخراجی و دانشجویان ستاره دار. حزب کمونیست کارگری همه مردم بویژه خانواده های دانش آموزان را به حمایت همه جانبه از این اعتراضات فرا میخواند.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ فروردین ۱۴۰۲، ۳۱ مارس ۲۰۲۳

خود خواستار پاسخگویی بی درنگ به مطالبات معلمان شده و تاکید کرده است که مسئولان باید پاسخگویی تبعات بی توجهی به مطالبات معلمان و تحقیر آنان باشند.

خواسته های اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان از جمله عبارتند از: اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سید هزینه که رقمش همین امروز بیش از سی میلیون است، تحصیل رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به برنامه های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان و اختلاسها و دزدی ها، امنیت شغلی نیروهای غیر رسمی، خرید خدماتی، و خدمتگزاران و پرداخت پاداش بازنشستگان ۱۴۰۰،

فراخوان معلمان در تهران به سه روز اعتراض

۱۴ تا ۱۷ فروردین روزهای اعتراض

معلمان استان تهران در اولین روز بازگشایی مدارس برای پیگیری خواسته هایشان و اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات اعلام شده شان، به سه روز دست از کار کشیدن و تحصن در روزهای چهارده تا هفدهم فروردین فراخوان داده اند. بر اساس این فراخوان معلمان در چهاردهم فروردین اعتصاب خواهند داشت و در هفته فروردین مقابل آموزش و پرورش تجمع خواهند کرد. این فراخوان از سوی تشکل صنفی معلمان اعلام شده و گروه پیگیری مطالبات فرهنگیان استان تهران در بیانیه ای اقدامات دولت، نمایندگان مجلس و وزیر آموزش و پرورش را به طور خاص در عدم پاسخگویی به مطالبات معلمان را تحقیرآمیز خوانده و آن را محکوم کرده است. در بخشی از بیانیه این معلمان چنین آمده است: "از کدام برخوردهای توهین آمیزتان با معلمان بگوییم؟ از همسان سازی حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغلین طبق قانون مصوب و ۹۰ درصد شاغلین؟ از پرداخت حقوق معلم در

آخرین ساعات آخرین روز سال و همزمان با شروع تعطیلی پایان سال آنهم به صورت قسطی؟ از اعمال رتبه بندی، حقه بندی، و خلاف قانون و مغایر با نص صریح قانون با آن سازوکار کذایی که باعث اعتراض قریب به اتفاق همه همکاران خصوصا همکاران با سابقه بالا گردید؟ یا از عدم پرداخت بیش از شش ماه اضافه کاری و حق التدریس معلمین؟ یا از عدم بهره مندی معلمان مظلوم از مفاد قانونی مدیریت خدمات کشوری؟ یا از عدم اعمال فوق العاده خاص برای معلمان با وجود نص صریح قانون مدیریت خدمات کشوری؟ یا از عدم تصویب و اعمال فوق العاده ویژه و ۵۰ درصد با توجه بر نص صریح قانون مدیریت خدمات کشوری؟ یا از عدم بهره مندی معلمین از رفاهیات و خدمات رفاهی بر اساس مفاد قانون مدیریت خدمات کشوری؟ و آیا پرداخت دیر هنگام حقوق اسفندماه در آخرین ساعات پایان سال مصداق توهین و تحقیر نیست؟" گروه پیگیری مطالبات فرهنگیان استان تهران در بیانیه

اهمیت پشتیبانی از منشور ۲۰ شکل ...

از صفحه ۳

شما کدام منشور میتواند مبنای وحدت جامعه باشد؟

کاظم نیکخواه: این نکته ای که میگوید نیز نکته مهمی است. منشور شش نفره باعث شده است که مردم در کردستان و سیستان و بلوچستان و جاهای مشابه اینها علیه آنها شعار بدهند و احساس خطر کنند. چون که با تمامیت ارضی قرار است اعتراض مردم آذربایجان و کردستان را اگر اینها به فرض محال سرکار بیابند سرکوب کنند. منشور شش نفره منشوری است که همانطور که اشاره کردم جدایی مذهب در آن نیست که امر اصلی مردم است. اینها یعنی تفرقه. و از آن طرف منشور ۲۰ شکل با " منشور خواسته های

است که فقط این را نمیخواهند. مردم با سرنگونی جمهوری اسلامی رفاه میخواهند، زندان نمیخواهند، اعدام نمیخواهند، فقر و چپاول و سرکوب نمیخواهند. و اینها را هر روز دارند در خیابانها میگویند و فریاد میزنند. و این دو جبهه متفاوت است که مقابل هم قرار گرفته اند. جامعه آشکارا در طرفی هست که این بیست شکل بیان کرده اند و راست میخواهد و تلاش دارد اوضاع را به طرف دیگری بکشد.

حسن صالحی: یک بحث مهم بحث وحدت مردم در جامعه است. از وحدت صحبت میشود و خیلی ها بدنبال ائتلاف و وحدت هستند. بنظر

سرکوب و قربانی شدن عزیزان مردم در این کشور نباشیم. شاهد عزاداری مادران و پدران و خانواده ها و افراد قربانی داده نباشیم. شاهد از دست رفتن جوانان نباشیم. این منشور اینها را تضمین میکند و ما قاطعانه از آن دفاع میکنیم. باید فعالانه از آن دفاع کرد. باید آنرا در سطح جامعه ببریم که هر چه بیشتر مردم این پرچم را بدست بگیرند و در هر کجایی که زندگی میکنند و هر گونه خواست انسانی ای که دارند برای جلو رفتن باید این منشور را بدست گرفت.

حسن صالحی: کاظم نیکخواه ممنونم که در این برنامه شرکت کردید

حداقلی " منشوری است که همه مردم را در بر میگیرد. چون از آزادی برای همه مردم صحبت میکند. از حقوق همه مردم دفاع میکند. از رفاه برای همه صحبت میکند. از مسکن برای همه صحبت میکند. این میتواند مبنای اتحاد جامعه باشد. عملا هم نشان داده شده است که جامعه روی این خواسته ها متحد است. اکثریت قریب به اتفاق جامعه خواسته هایی دارد که در این منشور بطور فشرده روی آن تاکید شده است. دفاع از اینها، تبلیغ اینها به همان شکلهایی که در این بحثها از آن صحبت کردیم میتواند جامه را برای پیشروی انقلاب، برای یک جامعه بهتر برای یک زندگی مرفه تر یک زندگی شاد تر متحدتر کند. که دیگر هر روز شاهد اعدام و زندان و



تقصیر کمونیست‌هاست!

کاظم نیکخواه

یکی از آیت الله‌های بلند پایه حکومتی، جواد علوی بروجردی در رابطه با بحران و ورشکستگی اقتصادی و تورم و گرانی و فقر مردم میگوید: "بعد از انقلاب بیشتر سران و بزرگان جمهوری اسلامی تحت تاثیر کمونیسم و سوسیالیسم بودند و در آن زمان فکر میکردند که شاه و حکومتش، همان اقتصاد آزاد است و فقر و فساد موجود در اثر اقتصاد آزاد پیدا شده و اگر سوسیالیسم بیاید تمام مشکلات از بین می‌رود". بله به همین سادگی مقصر پیدا شد. عامل و مقصر اصلی تمام بدبختی مردم در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها هستند!

از آن طرف عین همین را سلطنت طلبان هم ادعا میکنند. میگویند کمونیست‌ها باعث شدند که جمهوری اسلامی سرکار بیاید و "گلستان آریامهری" به ویرانه تبدیل شود. بنابراین نه شاه و دربار و ساواک تقصیری داشتند و نه جمهوری اسلامی و پاسداران و آخوندها گناهی کرده‌اند. به عبارت دیگر، هم آخوندهای میلیاردی و هم ساواکیها و درباریهای مولتی میلیاردی میگویند اگر ما چاپدیم و بالا کشیدیم و زدیم و کشتیم و جامعه را به فقر کامل کشیدیم، تقصیر کمونیست‌هاست! جالب نیست؟! آیا از این آشکارتر میشود چرندگویی کرد؟ جالب است که مبلغان و موعظه‌گران هر دو طرف با ژست کارشناس و تئوریسین و عالم، عین همین جملات مزخرف را هر روز بر زبان می‌آورند.

مساله بسادگی اینست که جمهوری

اسلامی بعد از ۴۴ سال چپاول به بن بست کامل رسیده و با یک انقلاب عمیق انسانی روبرو شده است. مردم دیده‌اند و لمس کرده‌اند که از هر دو سوی سیستم سرمایه‌داری چه تحت دربار و چه با حاکمیت اسلام چیزی جز یک اقلیت صاحب ثروت‌های نجومی از یک طرف، و ۹۹ درصدیهای محروم و رنج کشیده حاصل نشده است. مردم به تجربه دریافته‌اند که سیستمی را که مفتخوران بی‌خاصیت در راس آن قرار دارند و یکه تازی میکنند را باید از اساس جارو کنند و به زیاله‌دان بیندازند و خود سرنوشت خود را بدست گیرند. فریاد "سرمایه دار مفتخور نمیخواهیم" هر روز از جانب کارگران و بخشهای مختلف دارد آشکارا میگوید که از نظر مردم راهی جز از بین بردن شکافهای طبقاتی، رانت خواریها، و امتیازات طبقاتی یک اقلیت انگل و بی‌خاصیت صاحب ثروت‌های نجومی وجود ندارد. و این یعنی همان که کمونیست‌ها همیشه تاکید کرده‌اند و فریاد زده‌اند.

اینجاست که آخوندها و ساواکیهای میلیاردی دست به دست هم میدهند و فریاد "آی دزد آی دزد" از جانب غارتگران دانه درشت شنیده میشود. آخوندهای میلیاردی و ساواکیهای سابق و میلیاردی هر دو انگشت اتهام را به سوی کمونیست‌ها نشانه می‌روند. اما جامعه عامل بدبختیهای خود را خوب میشناسد.

(مندرج در ژورنال شماره ۳۸۳)



سوت اعتراضات معلمان در سال ۱۴۰۲ به صدا در آمد

شهلا دانشفر

کامل رتبه بندی و همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای سبد هزینه (که امروز سی میلیون است)، تحصیل رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه، داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و امنیت شغلی بخشهای مختلف معلمان که در بلا تکلیفی شغلی هستند و ...

اعتراض دیگر معلمان به سرکوبهاست. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان، آزادی بدون قید و شرط معلمان و دانش آموزان زندانی، بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی، بازگشت به کلاس دانش آموزان اخراجی و دانشجویان ستاره دار خواستهای فوری دیگر معلمان است. دانش آموزان خط قرمز معلمانند و بر امن بودن مدارس و معرفی عاملین و آمرین حملات شیمیایی به دانش آموزان تاکید دارند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان یکی از امضا کنندگان منشور خواستهای حداقلی با بیست امضا است. منشوری که پلانترم اتحاد مبارزات مردم است. از خواستها و مبارزات معلمان باید وسیعا حمایت کرد. حمایت وسیع خانواده های دانش آموزان و همه مردم از فراخوان سه روزه معلمان و اعتصاب و تجمع آنها بسیار مهم است. این اعتراضات را باید در تمام استانها گسترش داد.

(مندرج در ژورنال شماره ۳۸۳)

با بازگشایی مدارس بعد از تعطیلات نوروزی معلمان استان تهران در تداوم مبارزات و برای پیگیری مطالباتشان برای روزهای چهارده تا هفده فروردین فراخوان به اعتراض داده‌اند. معلمان از قبل اولتیماتوم داده بودند که اگر مطالباتشان پاسخ نگیرد، به اعتراضات گسترده تری دست خواهند زد. اکنون با فراخوان "گروه پیگیری مطالبات فرهنگیان استان تهران" سوت آغاز این اعتراضات به صدا در آمده است. چهاردهم فروردین اعتصاب و هفدهم فروردین تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش خواهد بود. معلمان صدای اعتراض کل جامعه هستند و نیرویی موثر در کشیده شدن اوضاع به شرایط انقلاب در اعتراض به فقر و گرانی و بی‌تامینی و علیه سرکوبگریهای حکومت بوده‌اند. معلمان در طول انقلاب نیز نقش ایفا کرده و علیه سرکوبگریهای حکومت ایستاده‌اند و فراخوان اعتراضی شانزدهم اسفند آنها علیه حملات جنایتکارانه شیمیایی به مدارس که حمایتی اجتماعی را همراه داشت یک مثال بارز است.

در تداوم این مبارزات و در دل انقلابیست که امروز معلمان استان تهران فراخوان به اعتراض سه روزه داده‌اند. یک اعتراض آنان به فقر و بی‌تامینی است که اعتراضی اجتماعیست و با شعار فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی صدایش را در کف خیابان میشنویم. خواستهای فوری معیشتی اعلام شده معلمان عبارتند از: اجرای

اخراج رژیم تروریست اسلامی از "سازمان جهانی کار" امر ما در روند انقلاب زن، زندگی، آزادی ست!

کارمزدی و قصاب، به یک حکومت سرمایه داری متعارف است! ما ۹۹ درصدی ها بطور کلی، بدهکار هیچ گرایش و جریان ضد منفعتهای کارگران و توده مردمان نیستیم وهمچون "سند منشور حداقلی" مان بی لکت میگوئیم:

این انقلاب بر دوش های ما ساخته شده و استوار است و هیچ نظریه و اقدام از بالای سر مردم نمیتواند ماهیت ماگزیمالیستی زیر و رو کننده فخر انقلابی درونش را علیه همه وضعیت موجود تقلیل دهد!

اخراج رژیم قصاب اسلامی از سازمان جهانی کار را به قدرت خیابان و کارخانه و قهر انقلاب زن،... و به پشتوانه گسترش عنقریب اعتراضات و اعتصابات سراسری طبقه کارگر و تهور و شجاعت و... و با حمایت بین الملل جنبشهای کارگری و انسانیت متمدن جلو خواهیم برد و شما و هر "مجمع جهاتی" را مجبور به تمکین تان خواهیم کرد.

انقلاب جاری ما نه تنها طبقه کارگر و توده مردمان منطقه را از ستون فقرات و تکیه گاه رژیمهای تروریسم و اسلام سیاسی رها خواهد ساخت، بلکه رادیکالیسم زیر و رو کننده اش را بر کالبد جنبشهای کارگری بین الملل خواهد دمید.

پیشروی و پیروزی این انقلاب بی تردید فرانسه و آلمان و... را بار دیگر به ستون فقرات انقلابات سوسیالیستی و قدرتمندترین پشتیبان بجلو صحنه تحولات جهانی تغییر خواهد راند!

جنازه کارگر به دنبال نان، سکوت و مامشات شرم آور شما را می شمارد! ما حق داریم از هر درجه از دستاوردهای بجا مانده از نبردها و انقلاب و جدال های طبقه کارگر بین



الملل و از هویت سیاسی/اجتماعی مان دفاع کنیم و آنها که ریاکارانه بنام ما و با ثروت کار ما اندیشه میکنند و تصمیم میگیرند تا علیه خود ما و منفعت هامان اقدام کنند رسوایشان کنیم و دهان گشادشان را ببندیم و از هر مکان اشغال شده جارویشان کنیم!

در اینجا عدم رعایت و سرپیچی از "قوانین و مقاوله نامه های نهاد بین المللی کار" و .. توسط این رژیم، گرچه موضوعیتی مهم اما کيفرخواست دوم ماست.

بنابراین گفتن از عدم پای بندی این رژیم قصاب به "قوانین و مقاوله نامه های این نهاد کار..." بمثابة دلایل بنیانی محکومیت برای اخراج این رژیم، یک عقب گرد سیاسی در وضعیت کنونی و تطهیر چهار دهه کشتارهای جمعی (خاتون آباد و گورت و پلاسکو و متروپل و در زاهدان و...)، ربودن ها و اعدام و زندان و شکنجه کارگران و معلمان و پرستاران و... است.

تقلیل ماهیت این رژیم بربریت

خواهی انسانیتشان وقیحانه مورد تعرض قرار داده و با حملات شبنمیایی سازمان یافته اش کثیف ترین جنایات جنگی تاریخ را مرتکب شده است! این رژیم عضو "سازمان جهانی

کار" در پوشش همان نهادهایی که شما پای رسمیت شان امضا میگذارید و بنام "شورای عالی کار" میشناسید، کشتار سیستماتیک خانوارهای کارگری / کارمزدی را با مصوبه "مزدهای مرگ" در برابر جسارت انقلابمان به "قانون" تبدیل کرده اند.

حضور این رژیم اسلامی در این نهاد، بیشرمانه ترین و ننگ آورترین نقطه تاریخ از مکان سیاسی/اطباتی این سازمان است!

ابن نهاد کار با همه قوانین و سیاستهای حاکم بدوا" از بخشش و پیشکشی سخاوتمندانه بنگاه های اقتصاد سرمایه و حکومت هاشان بیرون زده و بر متن مبارزات و نبردهای خونین طبقه کارگر و انقلابات بجلو آمده و با کمون پاریس و انقلاب شوراها و حق رای و برابری زنان در اکتبر مرتبط است، وگرنه از ساعات کار روزانه ۱۴ و ۱۶ و بیغوله ها و تیفوس و شلاق سرمایه بر گرده کارگران کودک باخبریم، دریای مدیترانه هر روز دارد با هر

سیما منصوری: محمد حسینی، مهدی کرمی، محسن شکاری و نوید افکاری و حمید ترکی و... از جمله صدها کارگرانی بودند که این رژیم بمثابه "کارگر معترض انقلابی" به دار کشیده شدند،

محسن. خرمشهری، حسین سالاری، مریم قربانی و کوروش یزدانی و هزاران کارگر و مردم معترض را، در کارخانه وخیابان و نزارها و مرزهای رنج کولبری و سوخت بری، کشتار و مثله کرده اند،

آیدا رستمی و مریم آروین و ده ها پرستار را بجرم مداوای همین کارگران و مردم زخمی از سرکوب ربودند و با تجاوزهای گله ای و شکنجه کشته اند!

این رژیم عضو "سازمان جهانی کار، کارگران و مردمان سوریه و عراق و یمن را کشتار جمعی کرده و علیه میلیونها کارگر زن و مرد و کودک جنایات جنگی را رقم زده است!

و شما با وراجی در "سازمان جهانی کار" ریا کاری میکنید و با "قوانین نمایشی تان تحت عنوان دموکراسی دنبال مستندات میگردید،

اما چشم هایتان تا دور دست ها را میبینند و گوش هایتان حتی "فریادهای پیشروی رادیکالیسم" طبقه کارگر اروپا و... را بخوبی دارید میشنویید،

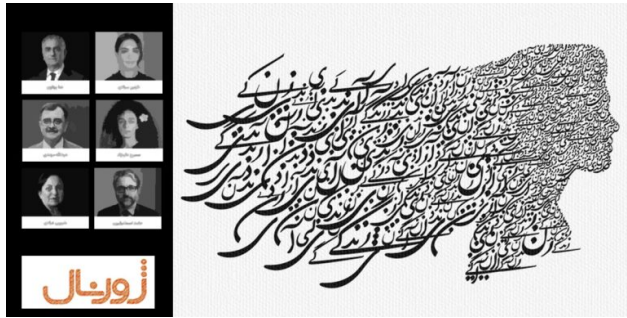
شما از انقلاب زن، زندگی، آزادی و ترکش هایش ترسیده اید!

این رژیم به همه حکومتها و سیاست بازانی که از خیزش و انقلاب توده ها وحشت کرده اند، خودش دارد به روشنی گرا میدهد. این حکومت دختران را بجرم آزادیخواهی و حق

پتیشن برای اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار

فری دم نو، پتیشنی را برای جمع آوری امضا آغاز کرده است. این پتیشن به اجلاس عمومی سازمان جهانی کار تسلیم خواهد شد. برای امضا، به لینک پتیشن در پارکد زیر و یا به سایت فری دم نو بروید.

www.free-them-now.com



مصادره ناسیونالیستی انقلاب ممنوع!

حمید تقوایی

بعد از کنفرانس جرج تاون تلاشی برای تغییر گفتمان زن زندگی آزادی به ملت و وطن و آب و خاک آغاز شده است. جمع جرج تاون مدام از "انقلاب ملی"، "وحدت ملی"، "وطنپرستی"، "یکپارچگی کشور" و غیره صحبت میکنند. در سخنرانیهایشان با "جانم فدای ایران" تهییج ملی - میهنی میکنند و رو به داخل به مردم فراخوان میدهند که با شعار "رضا شاه روح شاد" حمایت خود از "دولت ملی" را اعلام کنند. گوئی بخاطر وطن و تمامیت ارضی و آب و خاک بوده است که مردم بپاخاسته اند و تاکنون بیش از پانصد کشته و دهها هزار زندانی داده اند!

کوبیدن بر طبل ملت و ملیت پرستی بروشنی تلاشی برای مصادره و تحریف ناسیونالیستی انقلاب "زن زندگی آزادی" است. در هیچ یک از این سه کلمه محوری انقلاب حتی ردپائی از مقدسات و تابوهای ملی - میهنی نمی بینید. حتی شعار "مرد میهن آبادی" که اولین تلاش برای تحریف ملی انقلاب بود بجائی نرسید.

معمولا اینطور گفته میشود که دفاع از میهن و وطن و ارزشهایی ملی - میهنی بیان دیگری از حمایت از مردم و آزادی و برابری است. اینطور نیست؛ اینها با هم متناقضند! نه ملت همان مردم است و نه آزادیخواهی همان ملی گرایی. به این دلیل ساده که ارزشهای انسانی - آزادی، برابری،

کرامت و منزلت و معیشت، رفاه عمومی و نظایر آن عامل همراهی و همبستگی مردم در ایران و در سراسر جهان است، نقشی که شعار زن زندگی آزادی ایفا کرد. در حالی که ملیت، مانند مذهب و قومیت، بر تفاوتها و وجوه افتراق مبتنی است! ترجیح منافع "ملت خودی" بر دیگر ملتها جزء ساختاری ناسیونالیسم است. در درون مردم هر کشور هم تمایزات نژادی - تاریخی "ملتهای" مختلف همیشه عامل تفرقه بوده است. یک ناسیونالیسم، مانند ناسیونالیسم فارس در ایران، خود را برتر میداند و بقیه را "اقوام" یا "اتنیکها" ای که، مانند گُرد و آذری و بلوچ و غیره در ایران، هر نوع اعتراضشان به تبعیض و ستم ملی تجزیه طلبی و به خطر انداختن تمامیت ارضی محسوب میشود. (در این میان البته مهاجرینی مانند افغانی های ساکن ایران اصلا بحساب نمی آیند!).

از نظر عملی و تجربی نیز ناسیونالیسم همیشه به جنگ و کشتار، و در کشورهایی مثل ایران به استبداد عریان، دامن زده است. همیشه در طول تاریخ تحت نام وطن و ملیت و آب و خاک سر آزادی را بریده اند، به مردم "جدائی طلب" یورش برده اند، جنگهای خانمانسوز براه انداخته اند و تحت عنوان دفاع از "منافع ملی" و "امنیت ملی" و غیره در واقع از منافع و امنیت اقلیت مفتخور حاکم دفاع کرده اند. دقیقا همان جنایاتی که در چهاردهه

اخیر جمهوری اسلامی تحت عنوان دفاع از "اسلام عزیز" انجام داده، همه دیکتاتورهای ناسیونالیستی تحت نام دفاع از "میهن عزیز" مرتکب میشوند. از این نقطه نظر همیشه، بویژه در تاریخ صدساله اخیر ایران، مذهب و ناسیونالیسم دست در دست هم عمل کرده اند و زیر شعار "خدا شاه میهن" دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری بر سر مردم آوار کرده اند. امروز اسلامیت در خدمت آیت الله های میلیاردر و بیت رهبری این وظیفه را انجام میدهد و دیروز ایرانیت همین خدمت را به هزار فامیل و دربار انجام میداد.

به این دلایل است که "ملت" یا "مردم" کاملا متفاوت است و ملیگرایی مفهوم و گرایشی در نقطه مقابل انسانگرایی است. از نظر هر انسان آزاده ای "مردم" یعنی شهروندان کاملا متساوی الحقوق مستقل از هر نوع هویت و یا هویت سازهای ملی و قومی و مذهبی و اتنیکی.

واقعیت آنست که ریشه مسائل مردم، در ایران و در همه کشورها، تمایزات ملی میهنی مذهبی قومی نیست، بلکه اختلاف طبقاتی است. مساله این نیست که مردم به ملیتها و

مذاهب و اقوام مختلف، و یا به وطن پرست و وطن فروش، مسلمان و کافر، نژاد برتر و پست تر تقسیم میشوند، بلکه مساله واقعی اینست که مردم به طبقات تقسیم میشوند. ایدئولوژیهای قومی ملی مذهبی بوسیله طبقات حاکمه بکار گرفته میشود تا دقیقا همین شکاف و تضاد منافع طبقاتی را توجیه و قابل تحمل کنند. مساله واقعی بر سر سلطه یک طبقه مفتخور سرمایه دار بر جوامع است. و این امر همه دنیا را به اردوی کار در برابر سرمایه، به اردوی ۹۹ درصدیها در برابر یک درصدیها، تقسیم کرده است. انقلاب زن زندگی آزادی در کنه و جوهر خود مبارزه ای است بین این دو اردوگاه.

دفاع واقعی از آزادی و انسانیت و برابری و رفاه به آیکون و نماد و شعارهای دیگری نیاز ندارد. از ارزشهای انسانی باید مستقیم و بدون هیچ واسطه دیگری، اعم از مذهبی و ملی و قومی و نژادی، به دفاع برخاست. برای رهائی و آزادی جامعه باید دست به ریشه مسائل برد و برای انسان ریشه خود انسان است.

۲۸ مارس ۲۰۲۳، ۸ فروردین ۱۴۰۲
درج شده در ژورنال ۳۸۱

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



کارگری، به تجمعات و اعتصابات سراسری علیه فقر و گرانی و حقوقهای زیر خط فقر تاکید میکند. موضوع دستمزد و مصوبه مزدی شورای عالی کار را باید به موضوع تصمیم گیری در مجامع عمومی و سازماندهی اعتراضات سراسری تبدیل کرد. نبود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ فروردین ۱۴۰۲، ۲۸ مارس ۲۰۲۳

و اعتصاب تبدیل کنیم. در کنار هم بر علیه فقر و نداری به پا خیزیم، قدرت ما می تواند کوه را جا به جا کند. زندگی بهتر را ما می توانیم بسازیم. فقط کف خیابان به دست میاد حقمون!" حزب کمونیست کارگری از فراخوان بازنشستگان حمایت میکند و بر کمپینی گسترده و سراسری علیه مصوبه مزدی شورای عالی کار و پیوستن کارگران و معلمان و پرستاران و همه بخش های

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز و فراخوان بازنشستگان شوش علیه مصوبه مزد

تصویب مبلغ بسیار ناچیز و چندین برابر زیر خط فقر دوباره بیشتر و بیشتر از گذشته فقر و نداری را بر ما تحمیل می کنند... هم سرنوشتان، بازنشستگان، کارگران، مزد بگیران، معلمان، پرستاران، بیکاران، کارگران بی اجر و مزد (زنان خانه دار)، و تمام انسان های برابری خواه و عدالت طلب، همگی باید بر علیه "شورای عالی کار" بر علیه تمامیت سیستمی که عامل این سیه روزی هاست، ایستاده و حق خود را پس بگیریم. در کنار هم باشیم و در کف خیابان با صدای بلند از خواست و مطالبه خود دفاع کنیم. بازنشستگان، بیکاران و زنان خانه دار، کارگران شاغل! خیابان ها را باید به تصرف در آورد، خیابان، کارگاه و کارخانه و دیگر مراکز کار و تولید را به مرکز اعتراض، تجمع

امروز هشتم فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالبات خود مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "رنیسی دروغگو حاصل وعده هات کو"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "تا حقمون نگیریم، از پا نمی نشینیم". اهواز و شوش دو کانون داغ اعتراضات بازنشستگان است. بازنشستگان در شوش در فراخون قبلی خود بخش های کارگری را به اعتراض علیه مصوبه مزدی شورای عالی کار فراخوانده بودند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "اطلاع دارید که نهاد سرمایه سالار حکومتی یعنی "شورای عالی کار" با

تجمعات کارگران نیشکر هفت تپه، بازنشستگان شوش و معلمان تبریز علیه گرانی و مصوبه مزد



فراخوانده بودند. روز گذشته نهم فروردین همچنین معلمان در تبریز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و دستمزد چندین برابر زیر خط فقر و نیز تورم و گرانی روز افزون تجمع داشتند.

فراخوانده بودند. روز گذشته نهم فروردین همچنین معلمان در تبریز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و دستمزد چندین برابر زیر خط فقر و نیز تورم و گرانی روز افزون تجمع داشتند.

فراخوانده بودند. روز گذشته نهم فروردین همچنین معلمان در تبریز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و دستمزد چندین برابر زیر خط فقر و نیز تورم و گرانی روز افزون تجمع داشتند.

فراخوانده بودند. روز گذشته نهم فروردین همچنین معلمان در تبریز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و دستمزد چندین برابر زیر خط فقر و نیز تورم و گرانی روز افزون تجمع داشتند.

بازنشستگان تامین اجتماعی نیز تجمعاتی پی در پی در رابطه با مصوبه شورای عالی کار و علیه فقر و گرانی داشته اند. از جمله روز نهم فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی در شوشتر در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالبات خود مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند. روز های قبل از آن نیز این بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز و شوش تجمع داشتند. اعتراضات بازنشستگان هر روزه است و با شعارهای "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "تا حقمون نگیریم، از پا نمی نشینیم" بر تداوم مبارزات خود تاکید کرده و صدای اعتراض کل جامعه را نمایندگی میکنند.

امروز ۹ فروردین کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار حکومت، برای سومین روز متوالی در محوطه شرکت تجمع کردند و با راهپیمایی شعارهای اعتراضی سر دادند. از جمله کارگران شعار میدادند: "کارگر هفت تپه، اتحاد، اتحاد"، "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد"، "مرگ بر ستمگر درود بر کارگر". در انتها کارگران قرار تجمع برای روز بعد را گذاشتند.

اهواز و شوش دو کانون داغ اعتراضات بازنشستگان است. بازنشستگان در شوش در فراخون قبلی خود بخش های کارگری را به اعتراض علیه مصوبه مزدی شورای عالی کار

حکومت اسلامی با شروع اعتراض کارگران فوراً ۲ میلیون تومان به حساب هر یک از کارگران واریز کرد تا مانع ادامه اعتراض شود. اما کارگران به تجمعات خود ادامه داده و اعلام کردند که با این چند غازی که به اسم معوقه همسان سازی واریز شده مشکلات حل نمیشود و با وجود در راه بودن موج سنگین گرانی در اردیبهشت وضع بد تر هم خواهد شد و خواهان افزایش صد در صدی حقوقها هستند.



موج گسترده بی‌حجابی و درماندگی حکومت!

مقاومت سرسختانه و جسارت تحسین‌برانگیز زنان و بویژه دختران جوان است که در طول شش ماه انقلاب زن زندگی آزادی که با قتل مهسا بخاطر حجاب شروع شد سرعت بیشتری گرفت. بی‌حجابی در هفته‌های گذشته با رقص جمعی و فردی در میدانها و خیابانها و اماکن عمومی مختلف همراه شده و دیوار آپارتاید جنسیتی را نیز تماما در هم شکسته است. بی‌حجابی چنان وسعتی در سراسر کشور یافته است و چنان برای حکومت غیر قابل کنترل شده است که صدای آیت‌الله‌ها و مقامات ریز و درشت حکومت را درآورده است. مدیران ۴۶ حوزه علمیه تهران در نامه‌ای اعتراضی به ابراهیم رئیسی از «سرعت برهنگی»، بی‌عملی ۳۰ نهاد حکومتی مسئول در حوزه حجاب و انحلال گشت ارشاد نالیده‌اند.

حجت‌الاسلام رفیعی، روحانی حکومتی گفته است «چرا نظام به این سادگی با این موضوع کنار آمده؟ از چه می‌ترسید؟ با همین فرمان پیش بروید ماجرا از داستان در می‌رود.» حسین شریعتمداری نماینده‌خامنه‌ای در کیهان و از تندروترین جنایتکاران حکومت گفته است راه مقابله با بی‌حجابی دستگیری نیست! و امام جمعه لاهیجان

پس از ۴۴ سال جنگ و جدال بی‌امان و هر روزه بر سر حجاب، بالاخره شاهد شکست مفتضحانه حکومت حجاب اسلامی هستیم. علی‌رغم زندان و شلاق و اسید و شکنجه و گلوله، زنان اما تسلیم نشدند و بی‌حجابی را در سراسر کشور عملی کردند. حجابی‌ها بدحجاب و بدحجاب‌ها در ابعادی میلیونی بی‌حجاب شده‌اند.

گشت ارشاد گورش را گم کرده است و آمران به معروف هر جا جرات کنند به یک زن بی‌حجاب تذکر بدهند با اعتراض عمومی در محل مواجه میشوند.

این تا همینجا یک پیروزی تاریخی و بازگشت ناپذیر است، نه تنها پیروزی زنان بر حجاب اجباری بلکه یک پیروزی سیاسی برای کل جامعه در مقابل مرتجع‌ترین و ضد زن‌ترین حکومت تاریخ معاصر و بر کل جنبش کثیف اسلام سیاسی است. چند ماه قبل رئیس سازمان عقیدتی سیاسی گفته بود که «اگر حجاب و عفاف به‌عنوان خاکریز اول مقابله با جنگ نرم دشمن از دست برود، خاکریزهای دیگرمان را نیز از دست خواهیم داد.» اکنون به جرات باید گفت که این خاکریز فتح شده است.

این پیروزی حاصل ۴۴ سال

مردم تبدیل شده است.

حزب کمونیست کارگری به زنان و همه مردم آزاده درود می‌فرستد و پیشروی زنان و کل جامعه علیه حکومت اسلامی را مقدمه‌ای بر موج‌های قدرتمندتر انقلاب میدانند. باید حجاب برگیران را در همه جا پیش گسترش داد. باید نمایش‌های حجاب برگیران دسته‌جمعی را در مناطقی که هنوز قوانین حجاب و آپارتاید جنسی رژیم برقرار است به اجرا درآورد. باید مدرسه و دانشگاه و کارخانه و بیمارستان و اداره و هر محل کار بی‌حجاب شود. نه فقط شهرهای بزرگ بلکه هر شهر و روستایی باید به تصرف بی‌حجابی درآید. باید هر مناسبتی را به فرصتی برای نمایش بی‌حجابی و رقص و شادی و به سخره گرفتن قوانین ضد زن و مردسالار اسلامی تبدیل کرد. این حکومتی است که با حجاب آمده، بی‌حجاب خواهد رفت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ فروردین ۱۴۰۲، ۳۱ مارس ۲۰۲۳

اعلام کرده است که در اثر بی‌حجابی «لاهیجان دارد سقوط میکند.» واقعیت این است که بسیاری شهرهای بزرگ کشور سقوط کرده‌اند. بی‌عملی و در واقع ناتوانی ارگانهای سرکوب یک وجه مهم اوضاع کنونی است. انقلابی که از ششماه قبل شروع شده چنان ترس و وحشتی بر سرکوبگران حاکم کرده است که از مقابله جدی با زنان وحشت دارند. میدانند که اتفاق دیگری شبیه آنچه به سر مهسا آوردند، چاشنی انفجار قدرتمندتر انقلاب خواهد شد. همه آنها اهمیت حجاب را میدانند. میدانند که حکومتشان با حجاب آمده و با از دست رفتن حجاب حکومتشان هم خواهد رفت اما بشدت زمینگیر شده‌اند و از مقابله با موج عظیم بی‌حجابی درمانده شده‌اند. در مقابل، یک وجه شورانگیز و مهم همبستگی فعال همه مردم، زن و مرد، تعرض علیه سرکوب زنان و دخالت ارگانهای سرکوب است که به یمن انقلاب جاری به روحیه غالب



یادمان مهسا امینی و جانب‌اختگان انقلاب در شهر سقز و ایزده و همایش‌های سیاسی مردمی

گرامیداشت و حضور خانواده‌ها و مردم بر مزار جانب‌اختگان انقلاب شکلی از اعتراض اجتماعی مردم در ادامه انقلاب بویژه در این ایام نوروزی از سوی مردم دادخواه است. امروز جمعی زیادی از مردم در سقز بر مزار مهسا امینی جمع شدند و یاد او این نماد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی داشتند. شمار زیادی از مردم از شهرهای مختلف از جمله مهاباد و اطراف نیز به سقز رفتند و در این تجمع شرکت کردند. در این روز در ایزده نیز

جمعیت زیادی بر مزار جانب‌اختگان انقلاب جمع شدند و سرود «برای» را همخوانی کردند. این تجمعات شکلی از اعتراض به جنایات حکومت و همایش سیاسی مردمی در دل انقلاب است. باید وسیعا به این تجمعات اعتراضی پیوست و این جمع شدن‌ها را در تمام شهرها تکثیر کرد.

ناپود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰، ۱۴۰۲ فروردین ۱۰ مارس ۲۰۲۳

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @sazmande

به حزب کمونیست کارگری

پیوندید!

tamas.wpi@gmail.com



مصوبه ضد کارگری و ضد مردمی که کارگران و بازنشستگان را به فقر و محرومیت بیشتر محکوم میکند، سازمان داد. پاسخ گستاخی حکومت با تعیین حداقل دستمزد ۵ میلیونی که فاصله آن با نرخ سبد هزینه به اندازه دره ای عمیق است را باید با تجمعات و اعتصابات سراسری پاسخ داد.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فروردین ۱۴۰۲، ۳۰ آوریل ۲۰۲۳

بیانیه داده و صدای اعتراضشان را بلند کرده اند. در این بیانیه کارگران به کل بساط شورای عالی کار و تعیین دستمزد از بالای سر کارگران و دستمزدهای چندین و چند بار زیر خط فقر اعتراض کرده اند. کارگران میگویند اگر سبد هزینه سی میلیون است دستمزد نیز باید با سبد معیشت زندگی تناسب داشته باشد و حداقل به همین اندازه افزایش یابد.

در مجامع عمومی در همه مراکز کارگری باید در مورد مصوبه شورای عالی کار حکومت هم نظری کرد و اعتراضاتی سراسری و متحد را علیه این

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش و اعتراضات علیه مصوبه مزدی شورای عالی کار

بالای سی میلیون است، درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن مناسب، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و بازگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی و پرداخت دیون دولت به این صندوق، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و دستگیری و احضار کارگران. تشکل های بازنشستگان از جمله امضا کنندگان بیانیه خواستهای حداقلی بیست تشکل با سر سخن زن، زندگی، آزادی هستند و باید از خواستها و اعتراضات بازنشستگان وسیعا حمایت کرد.

اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار گسترده است. کارگران نیشکر هفت تپه نیز در این رابطه طوماری اعتراضی منتشر کرده اند که تا کنون سی هزار نفر آنرا امضا کرده اند. همچنین تشکلهای مختلف کارگری در رابطه با این مصوبه

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان شوش و اعتراض به مصوبه مزد روز ۱۴ فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در اعتراض سطح نازل حقوقها و فقر و گرانی و بی تامینی و نیز در اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار و برای پیگیری دیگر مطالباتشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازنشستگان در این تجمع اعتراضی شعار میدادند: "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، "تا حق خود نگیریم، از پانمی نشنیم".

بازنشستگان تامین اجتماعی یک نیروی مهم این اعتراضات هستند. خواستهای اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی که بارها آنها را در اعتراضاتشان اعلام کرده اند عبارتند از: اجرای کامل همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد هزینه که

آغاز سال جدید و شروع اعتراضات گسترده معلمان

چهاردهم فروردین دست تحصن خواهند زد و در هفدهم فروردین مقابل آموزش و پرورش تجمع خواهند داشت.

قبلا نیز در هشتم فروردین معلمان در شهرهای مختلفی همچون زنجان، کرمانشاه، ملایر، تبریز، بجنورد، تبریز، ارومیه، قزوین و اردبیل تجمع و اعتراض داشتند. در قزوین معلمان حق التدریس در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان و خلف وعده در اجرای رتبه بندی و تعیین رتبه بندی سلیقه ای، تجمع کرده بودند.

گفتنی است که بدنال تجمع سراسری و گسترده معلمان در شانزدهم اسفند در اعتراض به حملات شیمیایی حکومتی به مدارس، در هفدهم فروردین سه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان عزیز قاسم زاده، محمود صدیقی پور و انوش عادلای برای

روز ۱۴ فروردین معلمان در مدرسه محمود کاظمی در ناحیه دو همدان، در مدرسه ای در شهرستان فیروزه در خراسان و در برخی از مدارس در بوکان برای پیگیری مطالباتشان و در اعتراض به فقر و گرانی و وضع بد معیشتی و پاسخ نگرفتن مطالباتشان دست از کار کشیدند و در دفتر مدرسه شان تحصن کردند.

همچنین در این روز معلمان شهر سقر در اعتراض به تداوم بازداشت همکار خود سلیمان عبدی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زیویه) طی بیانیه ای اعلام داشتند که در صورت تداوم بازداشت سلیمان عبدی، ساعت ده تا دوازده ظهر روز هفدهم فروردین مقابل آموزش و پرورش این شهر تجمع خواهند کرد.

معلمان در استان تهران نیز قبلا بیانیه داده و اعلام کرده بودند که از

رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به برنامه های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی و لغو احکام صادر برای معلمان معترض و مسدود شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها، پایان دادن به حبس دانش آموزان در کانونهای اصلاح و تربیت و پایان دادن به بازداشت دانش آموزان و بازگشت به کلاس دانش آموزان اخراجی و دانشجویان ستاره دار. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواستها و مبارزات معلمان اعلام میکند و همه مردم را به پشتیبانی از این مبارزات فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فروردین ۱۴۰۲، ۳۱ مارس ۲۰۲۳

اجرای حکم زندان خود به شعبه پنجم اجرای احکام احضار شدند. در اعتراض به این احضارها طوماری اعتراضی از سوی معلمان این شهر با خواست آزادی همه دانش آموزان و معلمان زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی معلمان تحت تعقیب و مشخصا معلمان عزیز قاسم زاده، محمود صدیقی پور و انوش عادلای انتشار یافت و این کارزار ادامه دارد. در این طومار معلمان اعتراض میدانی در قبال دستگیری معلمان و صدور احکام سنگین و پرونده سازی های امنیتی را حق مسلم خود دانسته اند.

بدین ترتیب با آغاز سال جدید دور جدیدی از اعتراضات معلمان شروع شده است. خواستهای اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان از جمله عبارتند از: اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سبد هزینه که رقمش همین امروز بیش از سی میلیون است، تحصیل



تجمع اعتراضی معلمان در چندین شهر

امروز هشتم فروردین معلمان در شهرهای مختلفی همچون زنجان، کرمانشاه، ملایر، تبریز، بجنورد و اردبیل در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان و سرکوبگری‌های حکومت و برای پیگیری مطالباتشان مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. با این تجمع معلمان سوت آغاز اعتراضات معلمان در سال ۱۴۰۲ را به صدا در آوردند.

خواسته‌های اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان عبارت بوده از: اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سبد هزینه که رقمش همین امروز بیش از سی میلیون است، تحصیل رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به برنامه های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان و اختلاسها و دزدی ها، امنیت شغلی نیروهای غیر رسمی، خرید خدماتی، و خدمتگزاران و پرداخت پاداش بازنشستگان ۱۴۰۰، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی و لغو احکام صادر برای معلمان معترض و مسدود

کوتاه از نوع و نحوه‌ی توضیح حقوق خود به آیدی @kashowranews ارسال نمایند."

بدین ترتیب معلمان صدای اعتراض کل جامعه هستند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی یکی از بیست تشکل امضا کننده منشور تشکل آنها امضا کردند. منشوری که منشور زن، زندگی، آزادی است و بر خواسته‌های بنیادی همه مردم گذاشته و پلاتنرم اتحاد مبارزاتی همه مردم است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواسته‌ها و مبارزات معلمان قاطعانه حمایت کرده و همه مردم را به پشتیبانی از آنها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ فروردین ۱۴۰۲، ۲۸ مارس ۲۰۲۳

جنبش اعتراضی معلمان داشتند، اما هیچ‌گاه نتوانستند و نخواهند توانست به این خواسته‌ی شوم دست پیدا کنند، چرا که جنبش صنفی معلمان متکی به فرد نبوده و نیست. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، برای ایجاد بانکی اطلاعاتی جهت ثبت در تاریخ صنفی معلمان کشور، تصمیم به جمع‌آوری اسامی معلمان و دانش‌آموزانی کرده است که به شکل‌های مختلف، اعم از بازداشت، احضار، تهدید، تشکل پرونده در هیات‌های تخلف، تشکل پرونده در مراجع قضایی و دیگر اشکال مورد آزار قرار گرفته‌اند. در این راستا از عزیزی که طی سال جاری به هر شکلی مورد آزار قرار گرفته‌اند، درخواست می‌شود که مشخصات خود را همراه با توضیحی

دیدار های همبستگی (برگرفته از مدیای اجتماعی)

روز جمعه ۱۱ فروردین ۱۴۰۲ تعدادی از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران و برخی فعالان صنفی با خانواده #رسول_بدای دیدار کرده و همبستگی و همراهی خود با خانواده این معلم زندانی اعلام نمودند.



روز ۱۲ فروردین جمعی از فرهنگیان شهرستان بانه در همبستگی با همکار زندانی خود سلیمان عبدی، عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، با خانواده وی دیدار کردند. سلیمان عبدی در تاریخ ۲۸ اسفند بازداشت و به اداره‌ی اطلاعات سنندج انتقال داده شده است. خواست معلمان آزادی فوری و بدون قید و شرط وی است.



پیام سندیکای کارگران شرکت واحد که به پنجاه و «س ژ ت» سومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار، ارسال گردید:

با سلام و درود به همه‌ی شرکت کنندگان در پنجاه و سومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار، «س. ژ. ت.»، که به تاریخ ۲۷ تا ۳۱ ماه مارس ۲۰۲۳ در شهر «کلمون فران» فرانسه برگزار می‌شود. درودها و سلام‌های گرم ما به همه‌ی کارگران فرانسه که همواره یکی از پیشقراولان مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری جهانی بوده‌اند و در این روزها درگیر مبارزه‌ای جدی علیه قوانین واپس‌گرایانه دولت ماکرون هستند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، همچون دیگر کارگران ایران، حمایت خود را از مبارزات برحق شما اعلام و بر همبستگی میان همه‌ی کارگران جهان تاکید می‌کنیم.

مبارزات شما و خشونت پلیس فرانسه نشان می‌دهد که زمانی که پای سود سرمایه‌داران و قوانین ضدکارگری در میان باشد فرقی ماهوی میان دولتهای سرمایه‌داری جهان وجود ندارد و جواب آنان به مبارزات کارگران، کنترل و سرکوب به‌انحای گوناگون است.

همانطور که در جریان هستید، سندیکای ما و دیگر تشکلات و گروههای مستقل کارگری در ایران طی سالیان متمادی و بطور بی‌انقطاع تحت سرکوب و حملات نیروهای امنیتی و قضایی بوده‌اند. حق تشکل مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب با شدت تمام سرکوب میگردد و فعالین

سازیهای حاکمیت علیه فعالین کارگری در ایران باید با قاطعیت تمام در سطح جهانی و در اجلاس آتی سازمان جهانی کار توسط تشکلات جهانی کارگری محکوم گردد. سندیکای ما از حمایت س، ژ، ت و کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه از مبارزات کارگران ایران، در این راستا قدردانی میکند.

کشور ما از شهریور سال گذشته شاهد اعتراضات سراسری ای بود که بدنال قتل ژینا (مهسا) امینی در دنیا با عنوان خیزش زن، زندگی، آزادی، شناخته شد. تشکلات مستقل کارگری در ایران، از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، از مبارزات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه زنان، جوانان و مردم تحت ستم‌کشور حمایت کرده و خواهد کرد. ما بشدت

سرکوب و کشتار معترضین و زندان و احکام سنگین از جمله احکام ضد انسانی اعدام را محکوم کرده ایم و خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه بازداشتیان و زندانیان سیاسی هستیم. در عین حال، ضمن تاکید بر اهمیت حمایت و همبستگی بین المللی کارگری و مترقی، اعلام می‌داریم که ما تنها بر نیروی طبقه کارگر در ایران و حامیانمان در جنبشهای کارگری و آزادی خواه و برابری طلب در جهان از جمله شما همقطاران عزیز در فرانسه، تکیه میکنیم و چشم‌امیدی به هیچ یک از دولت‌ها و قدرتهای سرمایه‌داری در جهان که تنها بدنال منافع خود هستند نداریم و هرگز نخواهیم داشت.

با آرزوی پیروزی طبقه کارگر فرانسه، ایران و جهان-سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (از مدیای اجتماعی) ۴۰۲/۱/۱۱

بیانیه: تحمیل افزایش تحقیرآمیز مزد ۱۴۰۲ بی جواب نمی‌ماند!

میی‌پذیرند، به منظور عقب راندن بیشتر جامعه و پایین آوردن بیش از پیش سطح زندگی و تعرض به صفوف آنان است. این یک عدد و رقم مزدی نیست، بلکه جنگی علیه زندگی و هستی یک جامعه است.

شگرد همیشگی اعلام چنین تعرضی تحت لوای افزایش مزد در آخرین ساعات سال منتهی به تعطیلات نوروزی مضحک تر از آنست که بتواند جلوی مقاومت و مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته علیه چنین حقارت معیشتی را بگیرد و فرصتی برای صاحبان قدرت و ثروت باشد.

اگر مصوبه تحقیرکننده شورای عالی کار که با زیرپا گذاشتن قوانین خودشان صورت گرفته باطل نشود، شاهد موجی از اعتراضات علیه این دهن کجی به زندگی کارگران شاغل و بازنشسته بمنظور ابطال آن در روزهای پیش رو خواهیم بود.

#تعیین_مزد_طبق_سبدمعیشت

#افزایش_مزد_طبق_تورم

شورای بازنشستگان ایران

برگرفته از مدیای اجتماعی

در حالیکه سال ۱۴۰۱ بدترین سال تورمی ایران بود و افسار باز هم بیشتری از کارگران و سایر مزدبگیران به زیر خط فقر کشیده شدند، دولت با آکراه و سردی جلسات کمیته مزد شورای عالی کار (پروسه تعیین مزد حکومتی) را با تاخیر و بی‌علاقگی برگزار کرد و در نهایت با زیرپا گذاشتن قوانین خود از جمله ماده ۴۱ قانون کار، بشکلی اراده گرایانه فرمان افزایش ۲۷٪ برای حداقل بگیران و ۲۱٪ برای سایر سطوح مشمولین قانون کار را ابلاغ کرد.

این اراده حکومت در تعرض به زندگی معیشتی اکثریت مردم، ادامه سیاست سرکوب جامعه در اشکال سیاسی، اقتصادی، امنیتی-قضایی، اجتماعی و فرهنگی است. سرکوب مزدی نه تنها جدا از سرکوب عمومی نیست بلکه اساساً دستگاه پلیسی امنیتی و قضایی، ضامن و حافظ پایین نگهداشتن معیشت مردم به سود صاحبان سرمایه است.

تحمیل چنین شرایط مزدی برای کارگران و همچنین بازنشستگان کارگری که از مصوبات شورای عالی کار تاثیر